

ÖLGƏ

دانشکده الهیات ومعارف اسلامی

گروه فقه شافعی

قواعد فقه (۲)

استاد : دکتر مصطفی ذوالفقار طلب

دستیار: فردین قمری

جلسه اول

قاعده : الاجتهاد لا ینقض بالاجتهاد (اجتهاد به سبب اجتهاد دیگر نقض نمی شود)

۱ – مفهوم اجمالی: مراد از قاعده مذکور آن است که اجتهاد مجتهدی یا حکم قاضی مجتهدی به سبب اجتهاد یا حکم مخالف نقض نمی گردد. بر این مبنا اجتهاد و حکم اول صحیح می باشد وصاحب اجتهاد و حکم بریء الذمه است و در این مسئله عطف به ما سبق نمی گردد بلکه موثر در حکم پس از آن می گردد.

۲- مفهوم تفصیلی(مفهوم شناسی):

الف: مراد از اجتهاد همانگونه که ابن حاجب می گوید عبارت است از : «بذل الطاقة من الفقیه فی تحصیل حکم شرعی ظنی» «بکارگیری نهایت توان از طرف فقیه برای دست یابی به حکم شرعی ظنی.»

ب: مراد از واژه " اجتهاد" در قاعده دوم، اعم از اجتهاد مجتهد غیر از مجتهد اول یا همان مجتهد اول است؛ بدین معنا که ممکن است اجتهاد مخالف اجتهاد اول از طرف مجتهد دیگری انجام گیرد یا از طرف همان مجتهد اول.

۳ – مستندات قاعده:

الف: اجماع صحابه: بدین گونه که قول وفعل صحابه بر عدم نقض اجتهادات مختلف استقرار یافته است ؛ به عنوان نمونه برخی از اجتهادات عمر بن الخطاب(رضی الله عنه) بر خلاف اجتهادات ابوبکر صدیق بوده است ولی عمربن خطاب پس از رسیدن به خلاف اجتهادات ابوبکر صدیق(رضی الله عنه) را نقض وملغی نکرد ویا شخص عمربن خطاب اجتهادی کرده است که پس از مدتی از آن اجتهاد بر گشته است؛ به عنوان نمونه در مسئله ارث تحت عنوان مشرکه (زوج یک دوم ، أم یک ششم ، اخوۀ مادری یک سوم ، اخوۀ تنی بدون سهم) عمربن الخطاب(رضی الله عنه) در ابتدا قایل به عدم اشتراک اخوۀ تنی در ارث بود ولی در همان مسئله در حادثه ایی دیگر ، قائل به ارث بری آنان شد ؛ وی بدین مناسبت فرمود: «تلك علی ما قضینا و هذه علی ما نقضی » «آن را براساس اجتهاد اول و این را براسا اجتهاد دوم حکم کرده ام.»

ب: اگر اجتهادی بودن مسئله ایی ثابت شد، بیانگر ظنی بودن حکم آن است وظنون دارای مرتبه ای همسان می باشند وبراین اساس اجتهادی بر اجتهاد دیگری رجحان ندارد.

۴- تطبیقات قاعده:

۱- اگر شخصی نمازگزار در تعین جهت قبله اجتهاد کند وسپس اجتهاد او در تعیین قبله تغییر کند به طوری که برخلاف اجتهاد سابق حکم کند نمازهای گذشته او صحیح ونیازی به قضای آنها نیست.

۲- اگر شخصی در بین دو ظرف آب، در تعیین بین پاکی و نجاست اجتهاد کند؛ به طوری که حکم به پاکی یکی از دو ظرف نماید وبا آن وضو گرفت و سپس اجتهاد او تغییر کرد باید به اجتهاد اول خودش عمل کند وبه اجتهاد دوم اعتنایی نکند.

۳- اگر شخصی قیافه شناس فرزندی را به یکی از مدعیان ملحق کند و سپس از نظر خویش برگردد؛ به طوری که به مدعی دیگر ملحق کند؛ نظر دوم از او پذیرفته نیست بلکه باید به نظر اول عمل شود.

۴- اگر قاضی به مسئله ایی حکم دهد سپس اجتهاد او درباره ی آن مسئله تغییر کند ؛ اجتهاد اول او نقض نمی گردد ولی در آینده در مسائل همسان باید به اجتهاد خویش عمل کند.

۴- احکام صادره قضات در مسائل اجتهادی نقض نمی گردد؛ مسائل اجتهادی همانند خیارالمجلس ، بیع ، العرایا ،صحت نکاح بدون ولی، صحت نکاح شغار ، ثبوت رضاع پس از دوسال، قتل پدر به فرزند و...

مستثنیات قاعده:

۱ – حکومت حق تصرف در زمین محافظت شده وقرقگاه را دارد به طوری که حق دارد رعیت را از تصرف در آن منع کند ؛ ولی اگر سپس دیدگاهش تغییر کند(منع تصرف) دیدگاه سابق وی ، نقص می گردد ؛ به دلیل وجود مصلحت درنقض آن.

۲– اگر ملکی به حکم قانون بین شرکاء تقسیم شد وسپس اسنادی دال برخطا در چگونگی تقسیم با وجود اجحاف درآن ثابت شود، حکم سابق نقض می گردد.

۳– اگر کارشناسان به مسئله ایی حکم دادند ؛ ولی پس از صدور حکم به ویژگی های موثری برخلاف حکم سابق دست یافتند، حکم کارشناس بدوی نقض می گردد.

۴– اگر قاضی براساس بینه حکم به خلع ید خانه یا ملکی دهد وسپس شخص محکوم بینه (اسناد جدیدی) مبنی بر حقانیت خود ارائه دهد حکم سابق نقض می گردد

۵– حکم قاضی در صورت مخالفت با نص یا اجماع یا قیاس جلی نقض می گردد.